



ایجاد امنیت یا پهن کردن بساط ارباب!

آسو فتومی

"اعدام کیفر دادن کسی بسخاطر جرمی نیست. بلکه صاف و ساده دارند مردم را سر جای شان مینشانند، دارند مردم را به تمکین به مقررات و دستورات وادار میکنند. دارند ارباب میکنند. دارند حکومت

میکنند. در همین جهان امروز اعدام فقط کیفر قتل نیست، کیفر سکس غیرمجاز، کیفر احتکار، کیفر اعتقاد به مرام اشتراکی، کیفر تشکیل احزاب مخالف، کیفر طنز کردن خدا و پیغمبر و امام، کیفر همجنس گرایی و غیره هم هست. کشتن اهالی، از ابتدای جامعه دارای حاکمیت، یک رکن به تسلیم کشیدن مردم بوده و هنوز هم هست. تاریخچه مجازات اعدام نه در مباحثات حقوق قضایی درباره جنایت و مکافات، بلکه در تاریخ حاکمیت طبقاتی و دولت است. امروز هم دولت ها شهروندان شان را میکشند. باید جلوی این را گرفت." (منصور حکمت) صفحه ۴

حکمتیست ۱۲۵

۸ اوت ۲۰۱۶ - ۱۸ مرداد ۱۳۹۵
دوشنبه ها منتشر میشود

جنایات جمهوری اسلامی به هر بهانه ای محکوم است!

دفتر کردستان حزب حکمتیست - خط رسمی صفحه ۳

غلط می کنید!

مظفر ممدری



زنان بی حجاب و مرگ ایدئولوژی اسلامی

مونا شار

اعلام می کند که دوچرخه سواری زنان و دختران مغایر با شریعت اسلامی و قوانین جمهوری اسلامی است و از نیروی انتظامی می خواهد که جلو این کار را بگیرند. ایشان همچنین گفته اند که سونوگرافی زنان توسط پزشکان مرد، شرعی نیست!

به تبعیت از این مزخرفات ملا مصطفی نیروی انتظامی در سطح شهر از دوچرخه سواران زن ممانعت بعمل آورده و تعدادی از دوچرخه سواران زن و مرد را بازداشت و جریمه کرده و یا تعهد گرفته اند که دیگر زنان از دوچرخه استفاده نکنند.

در اعتراض به این عمل شنیع نیروی انتظامی و مزخرفات ملا مصطفی شیرزادی، مردم ازادیخواه شهر میروان ضمن تهیه توماری در اعتراض به این دخالت ها، به روال همیشگی اما در ابعاد بسیار وسیع تری در شهر و اطراف

به دوچرخه سواری می پردازند. بطوریکه نیروی انتظامی جرات دخالت را نداشته و عقب می نشینند. همزمان در شهر سندانج جوانان پسر و دختر در سطح وسیعی و در حمایت از اعتراض مردم میروان به دوچرخه سواری پرداخته و با حمل پلاکادهایی به دخالت امام جمعه شهر میروان و رفتار نیروهای انتظامی اعتراض کردند. دهمشان گرم. مردم مبارز میروان تجارب گرانهایی در دفاع از انسانیت و حرمت انسان، حرمت زن و حرمت طبیعت دارند. مبارزات رادیکال معلمان را دارند. کارگران تجربه مبارزات کارگری و ایجاد تشکل و اتحاد در صفوف خود را دارند. تجربه زنان سرخ پوش میروان در دفاع از حرمت زن و اعتراض به اعدام و لغو اعدام با اعتصاب عمومی را دارند. آخوند جماعت و مسجد حق دخالت در زندگی مردم را ندارند. ... صفحه ۲

هفته اخیر شهر میروان باز هم شاهد یک تجربه مبارزاتی در دفاع از حقوق انسانی خود و حرمت زن بود.

کمپین سه شنبه های بدون خودرو در حمایت از محیط زیست مدتی است در شهرهای ایران بر پا شده است.

مردم ازادیخواه میروان هم در اجرای این کمپین سه شنبه های هر هفته ماشین هایشان را از حرکت باز داشته و مرد و زن و دختر و پسر در این روز با استفاده از دوچرخه به شهر و محل های تفریحی اطراف شهر و دامنه کوه ها می روند.

این حرکت انسانی و ازادیخواهانه با عکس العمل امام جمعه مرتجع شهر به نام ملا مصطفی شیرزادی روبرو می شود. این مزدور که در عین حال سلفی طرفدار القاعده است، به تبعیت از امامش خامنه ای در نماز جمعه

خطیب نماز جمعه میروان در آخرین افاضاتش گفته "دوچرخه سواری زنان" باید ممنوع شود و چرخاندن دستگاه سونوگرافی بر روی "بدن نرم زنان" توسط پزشکان مرد را بی معنی خوانده و خواستار بکارگیری پزشکان زن شده است.

مسئله زن و حجاب اجباری در ایران یکی از معضلات اساسی جمهوری اسلامی بوده و هست. جمهوری اسلامی بنا به بنیادهای فکری و ایدئولوژی اسلامی- سیاسی، ضد زن است و این ضدیت را از همان روز اول با تعرض و دست درازی و تعیین و تکلیف کردن برای پوشش زن آغاز کرد. در جمهوری اسلامی تعرض به حق زن کانال تعرض به آزادی جامعه و تحمیل خفقان است. ایران با حکومت زن ستیزش، برای زنان یک قبرستان واقعی است. اما در همین قبرستان هم مقاومت زنان، رژیم را ناتوان از حل این مسئله کرده و ظاهرا سنبه ی زنان مخالف حجاب و آزادی، پرزورتر از مذهب و دین است. آنقدر قوی که به گفته دایناسورهای علمای قم، توانسته اند دریاچه ی ارومیه را بخشکانند! و رژیم را به لرزه های چند ریشتری درآورند! طی سی و چند سال گذشته رژیم به هر خونت و تهدیدی دست زده است. از اخراج زنان از کار، تا ضرب و شتم در خیابان ها، اسیدپاشی و جریمه های سنگین و توقیف خودرو زنان "بدحجاب" پشت رل، ... صفحه ۳

آزادی برابری حکومت کارگری

غلط می‌کنید...

در دنیای متمدن امروز، از شمال آمریکا تا چین و ژاپن و از استرالیا تا آمریکای لاتین و افریقا، قوانین مدنی مصوبی وجود دارد که احترام به آزادیهای فردی و اجتماعی و دخالت نکردن در زندگی مردم و حریم خصوصی انسان از بدیهیات پذیرفته شده است. اگر قرار است در جامعه ای هر بسجی و پاسدار و اطلاعاتی و اخوند و ملای مرتجعی بخواهند و بتوانند در زندگی مردم دخالت کنند که چه می‌پوشند و چه می‌خورند و چه می‌نوشند و چه تفریحی دارند، این قانون جنگل است. این وحوشی که برای مردم اما و اگر و مانع و محدودیت درست می‌کنند، درواقع بویی از انسانیت و مدنیت و احترام به حرمت انسان نبوده اند.

جامعه ایران از کارگر و مردم و زن و جوان ده ها سال است به قوانین شریعت و امر به معروف و نهی از منکر مساجد و اخوندها و کله های حزب الله می‌خندند و به آن "نه" گفته اند. دخالت در زندگی مردم بدترین نوع هتک حرمت انسان است.

ملای مرتجع حتی نمازگزارانش را نمیتواند به این هجویات قانع کند در نتیجه به نیروی انتظامی و نظامی و پلیس متوسل می‌شود تا به زور اسلحه و باطوم بازداشت و زندان و جریمه مردم را به شریعت و قوانینی که مغایر زندگی متمدن و جامعه مدنی است مجبور و محکوم کنند.

مساجد و اخوند و ملا جماعت از خامنه ای تا ملا مصطفی حق ندارند به صرف عمامه و شریعت و به حکم اینکه پول و اسلحه و نیروی نظامی در اختیاردارند در زندگی مردم دخالت کنند...

این قانون جنگل باید مهار شده و پس رانده شود. ملا مصطفی غلط می‌کند مردم یک شهر را به حکم بهای

مزدوریش، از کاری منع می‌کند. ملا مصطفی و امثال این کثافتهای قرون وسطایی بروند عقایدشان را تبلیغ و تمام عمر ننگین شان را صرف تبلیغ بهشت و جهنم و آخرت و این مزخرفات بکنند. اما مردم در انتخاب سبک زندگی و مرام و عقیده و حفظ حرمت و آزادیهای فردی و اجتماعی شان ازاد هستند. مگر می‌شود یک جامعه هفتاد هشتاد میلیونی را به مزخرفات امام جمعه ها و

کمپین سه شنبه های بدون خودرو در همه شهرهای ایران به اجرا در آمده است و جواب مردم شهرمروان به ترهات ملامصطفی را همه می‌بینند. جواب این است که ملا مصطفی و هر مرتجع دیگری غلط می‌کند برای مردم و زندگیشان قانون تعیین و برای اجرای عقاید پوسیده شان به زور متوسل می‌شوند. امروز مردم مرویان به شیوه خود با جمع

این ها همین امروز با وجود سایه اسلحه و زندان و اعدام شاهدند که مردم خلاف آنچه که این مرتجعین فکر می‌کنند، زندگی می‌کنند، لباس می‌پوشند و هر چه دلشان خواست می‌خورند و می‌نوشند و تفریح می‌کنند. تناقض احکام و مزخرفات دینی با زندگی اجتماعی و مدنی و انسانی و آزادی و برابری تناقضی مرگبار برای این وحوش است که خود نیز به آن اعتراف دارند و می‌دانند جز با زور و تهدید نمی‌توانند حتی یک بند شریعت شان را به اجرا در آورند.

آوری تومار اعتراضی و ادامه کمپین دوچرخه سواری زنان و مردان جواب ملای مرتجع را دادند و تنبیهش کردند. اما ملا مصطفی و همه همکاران و همفکران قرون وسطایی شان این را هم باید بدانند که تنبیه بزرگ تر و کارسازتری در کمین شان است.

اگر این ملای افسار گسیخته دست از این دخالتهایش برندارد باید منتظر تنبیهات بیشتری باشد. ما تکرار این مزخرفات را نمی‌پذیریم. ملا مصطفی در تبلیغ آیات و شرعش ازاد است اما در دخالت در زندگی مردم و امر و نهی مطلقا ازاد نیست.

کیست نداند که اگر مزدوران و جاسوسان رژیم را جدا کنیم، نمازگزاران جمعه

اخوند و ملای مرتجع ملزم کرد. اگر این مرتجعین به حقانیت شرع و آیات و احادیث قرون وسطایی شان باور دارند، بیایند تنها یک روز و فقط چند ساعت سایه اسلحه و نیروی انتظامی و پلیس و چاقوی حزب الله را از بالای سر جامعه بر دارند، آنوقت با چشمان از حدقه در آمده شاهد انتخاب مردم برای زندگی کردن و روابط اجتماعی و اجرای قوانین انسانی که چند میلیارد بشر کره زمین آن را پذیرفته و به قانون زندگی خود تبدیل کرده اند، خواهند بود.

این ها همین امروز با وجود سایه اسلحه و زندان و اعدام شاهدند که مردم خلاف آنچه که این مرتجعین فکر می‌کنند، زندگی می‌کنند، لباس می‌پوشند و هر چه دلشان خواست می‌خورند و می‌نوشند و تفریح می‌کنند. تناقض احکام و مزخرفات دینی با زندگی اجتماعی و مدنی و انسانی و آزادی و برابری تناقضی مرگبار برای این وحوش است که خود نیز به آن اعتراف دارند و می‌دانند جز با زور و تهدید نمی‌توانند حتی یک بند شریعت شان را به اجرا در آورند.

بخاطر عقایدی که دارند به مسجد می‌روند نه بخاطر امر و نهی به همسایگان و همشهریان زن و مرد خویش. آیا این را هنوز ملاها نفهمیده اند؟ انسانیت حکم می‌کند که همین نمازگزاران به ملا بگویند پایت را از گلیمت درازتر نکن. تو حق دخالت در زندگی ما و فرزندان دختر و پسر ما را نداری. حق نداری حکم بدهی که دوچرخه سواری زنان ممنوع است. حق نداری در امر پزشکان زن یا مرد که کارشان را چگونه انجام میدهند دخالت کنی. این چه مذهب و دیانت و عقیده ای است که از تکان خوردن پای دختران بهنگام رکاب زدن دوچرخه پایسه هایش می‌لرزد. ننگ تان باد با این احکام و قوانین و شریعت تان.

مردم مرویان امروز ملا مصطفی را افسار زدند. دشمنان گرم. اما این مرتجعین پست از این شیوه وحشی گری و هتک حرمت انسان، هتک حرمت زن و دخالت در زندگی مردم دست بر دار نیستند. تا زمانی که این ها را از قدرت پایین نکشید و چاک دهندشان را نیندید ترهاتشان جامعه و انسان را می‌آزارد. این خواست و آرزوی چند ده میلیونی انسان های جامعه ما از زن و مرد و دختر و پسر و پیر و جوان است.

ما بهمره مردم مرویان و سنج و دیگر شهرهای ایران، به ملامصطفی شیرزادی و امثالش می‌گوییم غلط می‌کنید در زندگی مردم دخالت کردید. ما چاک دهان شما مرتجعین را که بوی عفونتش جامعه و شهر را می‌آزارد خواهیم بست.

حکمت را توزیع و پخش کنید! حکمت را به دوستان و

آشنایان معرفی کنید!

حکمت را بدست کارگران برسانید!

زنده باد سوسیالیسم!

مرکز بر جمهوری اسلامی!

جنایات جمهوری اسلامی به هر بهانه ای محکوم است!

اخیرا جمهوری اسلامی بار دیگر به اعدامهای دستجمعی دست زده است. در یک هفته اخیر بیشتر از صد نفر از زندانیان را به بهانه سلفی گری بطور دستجمعی اعدام کرده است. این زندانیان تحت عنوان سلفی از دهه هشتاد تا کنون در زندان نگه داشته شده و بطور بی شرمانه ای اعترافات این زندانیان تحت شکنجه را از مدیای اسلامی پخش نموده است. این داستان رژیمی است که

خود ده ها هزار نفر را به اتهام ضدیت با مذهب و اسلام و جمهوری اسلامی، اعدام کرده و اکنون آمده است صدها نفر را از شعبه دیگر همان اسلام خود به نام سلفی را به جوخه اعدام می سپارد. اهداف پلید جمهوری اسلامی از این اعدام ها بر همه کس عیان است. جمهوری اسلامی خود بانی سلفی گری در ایران است. بر پا کردن جوخه های اعدام در هر مقطعی برای جمهوری

ترین ابزار بورژوازی برای ترساندن مردم و ایجاد فضای رعب و وحشت در جامعه است. مخالفت با اعدام خواست میلیونی مردم ایران است. باید به این جنایات جمهوری اسلامی بهر بهانه ای افسار زد. نباید تسلیم رژیم و توجیهات جنایتکارانه اش شد. ما اعدام انسان را بهر بهانه ای جنایت آشکار و قتل عمد می دانیم. لغو اعدام خواستی است که باید به کرسی نشاندن شود. باید اعدام بعنوان ابزار ایجاد ترس و وحشت در جامعه را از دست این رژیم جنایتکار انداخت.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی) مرداد ۹۵ - اوت ۲۰۱۶

زنان بی حجاب و...

از به خدمت گرفتن ۲۵۰۰ "پلیس نامحسوس"، نصب بنر علییه زنان "بدحجاب" توسط شهرداری تا تحقیر رسمی و علنی زنان "بدحجاب" تا جائیکه اخیرا روزنامه رسمی گروه انصار حزب الله به خود جرات داده خطاب به هنرمندان و بازیگران بنویسد "هر مردی که زنش خود را آرایش کند و از منزل بیرون برود، آن مرد دیوث است".

جمهوری اسلامی همه راه ها را امتحان کرده و از همه ارگان ها و نیروی سرکوب خود برای عقب راندن زنان استفاده کرده و زمانیکه که عاجز از خاموش کردن این آتش است هر روز به یک ریسمان پوسیده متوسل می شود. گاهی تنبیه می کند و گاه پاداش می دهد که اگر زنان حجاب را رعایت کنند تشویقی می گیرند. مردسالاری را ستایش می کند و تلاش دارد از مردان بعنوان نگهبان و زندانبانانی که غیرت و تعصب دارند و میتوانند زنان خود را زندانی کنند و تحت کنترل خود درآورند. عکس العمل های هیستریکی که نشان از درماندگی، ناتوانی اش در تحمیل بیحقوقی مطلق به زنان، نشان از درماندگی ایدئولوژیک و شکست ایدئولوژیک او در مقابل جامعه دارد.

نزدیک به نیم قرن است که زنان، با حکومت در جنگ اند. مبارزه ای که تک تک زنان و چند نسل بهای گرانی

برای آن پرداخته اند. زنانی که از کودکی تاوان سنگین زن بودن در جامعه اسلام زده ایران را پرداخته اند. دوره کودکی که دختر بچه ی کوچکی هستند در اولین روز مدرسه خاطره ی تلخ حجاب اجباری را تجربه می کنند. دختران نه (۹) ساله درحالی که هنوز عروسک به بغل دارند در مدارس عقب مانده اسلامی برایشان جشن تحقیرآمیز تکلیف برگزاری می کنند. تا دوران نوجوانی و جوانی که کوچه و خیابان هر روز با پلیس و نیروی انتظامی دست به گریبان اند و می جنگند. جمهوری اسلامی علاوه بر تلاش در تحمیل عقب ماندگی به جامعه، روی تحریک احساسات و سنتهای عقب مانده اسلامی و ایرانی موجود در جامعه سرمایه گذاری کرد. اما نفرت از آپارتاید جنسی، نفرت از تحقیر و زن آزاری و همزمان برابری طلبی در جامعه قوی تر از آن است که جمهوری اسلامی بتواند با تحمیل و سرکوب آنرا عقب براند. کمپین "حجاب مردان" نمونه ای از برابری طلبی عمیق و ریشه دار در جامعه دارد. مردانی که با سرکردن روسری و پخش عکس های خود در شبکه های اجتماعی حجاب اجباری زنان را به تمسخر گرفته اند. زنان میروان با اعلام یک روز بنام "روز پاک بدون اتوموبیل" با دوچرخه هایشان خیابان های میروان را تسخیر می کنند و بعد از ممانعت ارازل و اوپاش رژیم از دوچرخه سواری زنان،

اسلامی در وهله اول مرعوب کردن جامعه و نمایش قدرت زور و اسلحه است. از طرف دیگر کشتار سلفی ها در رقابت با عربستان سعودی است که اخیرا علیه جمهوری اسلامی که در یمن حوثی ها را حمایت و تجهیز کرده است، به حمایت از سلفی ها و ناسیونالیست های کرد، به میدان رقابت منطقه ای با جمهوری اسلامی وارد گود شده است. کیست نداند که در دستگاه های قضایی جمهوری اسلامی نه از محاکمات علنی خبری هست و نه هیچ حقوق زندانی برای دفاع از خود و انتخاب وکیل برسمیت شناخته می شود. کشتار زندانی بهر بهانه ای قتل عمد است. اعدام، شنیع

کمپینی در اعتراض به این ممانعت به راه افتاد که تنها در عرض دو روز ۱۴۰۰ امضا جمع کرده و مردم از آن حمایت کردند. این مبارزات توسط خود مردم و در دل جامعه شکل می گیرد. مردم راسا دست به کار شده اند و انزجارشان را از هر نوع تبعیض و نابرابری براساس جنسیت علنی و در خیابان ها اعلام می کنند و در مقابل آن می ایستند. چند سال پیش هم زنان سرخ پوش میروان خیابان ها را تحقیر زنان با لباس پوشاندن لباس زنانه به تن مردان خلافتکار و گرداندن در خیابان ها قرق کردند و علیه این تفکر ارتجاعی اعتراضات گسترده ای رخ داد.

زنان و مردان پیشرو و آزادیخواه با مقابله خود همه قوانین شرعی و اسلام و دین و تعصب و غیرت و وعده های حوریان بهشتی و تفکرهای پوسیده ی داعشیانی که زنان و دختران را بعنوان جایزه در مسابقات حفظ قرآن هدیه میدهند، را به چالش کشیده اند و این کثافتخانه دین و مذهب سرتاسر خشونت علیه زنان و متعفن را برهم می زنند. نفرت از حجاب و آپارتاید جنسی و قوانین ضد زن چنان گسترش یافته که حتی فائزه رفسنجانی نگران دین است و مرثیه سرایی می کند و می گوید: "اگر امروز را با سی سال پیش مقایسه کنیم می بینیم که روز به روز حجاب کمرنگ تر شده است و زنان چادری کمتر و زنان

بی حجاب بیشتر شده اند." و ادامه می دهد "در دانشگاه از ۸ هزار دانشجوی تنها ۱۰۰ نفر هستند که امسال روزه گرفته بودند و می گویند این نوع برخوردهای حکومت های اسلامی به دین ضربه می زند". اعتراف درماندگی حکومت دینی و اسلام از زبان یکی از مهره های داخل حکومتی، تمام رشته هایی را که امثال شیرین عبادی ها و فمینیست های اسلامی بافته اند تا اسلام را مدرن جلوه دهند و می گویند اسلام مدافع حق زن است، پنبه می کند. حکومت اسلامی با سرکوب نیمی از جامعه ایران تابوت مرگ تفکر ایدئولوژی اسلامی و شرع و مذهبی خود را می سازد. مبارزه برای برابری زن امروز به گستردگی جامعه در جریان است و نه سرکوب اوپاش رژیم، نه ابزار نگرانی فاذه رفسنجانی ها و نه فتواهای مرتجعینی چون امام جمعه میروان تاب مقابله با این موج و عطش برای برابری را ندارند. برابری که امروز نه فقط زنان که کل جامعه برای رسیدن به آن بیپا خاسته است. جامعه ای که میدانند رسیدن به این برابری بدون خشکاندن ریشه حاکمیت مذهب و سنتهای پوسیده اسلامی، بدون به زیر کشیدن حاکمیتی که منشا بیحقوقی، تبعیض و آپارتاید جنسی است، ممکن نیست. برابری و رهایی که بدون زیرو رو کردن بنیادهای نظام نابرابر بورژوازی ممکن نیست.

ایجاد امنیت یا ...

"جمهوری اسلامی تعدادی از کردهای اهل سنی را اعدام کرد"، این خبری است که از جانب رسانه های داخلی و خارجی منتشر شد و به همراه خود موجی از اعتراض را دامن زد. از اعتراض "کردها" و "سنی" ها تا اعتراض به اعدام "سنی ها" و "کردها" و اعتراض به نقض حقوق بشر از طرف "مراجع بین المللی" اما کمتر کسی به دلایل واقعی این اعدامها و موج دستگیری های متعاقب آن میپردازد.

من اگر راوی این خبر باشم خواهم گفت: جمهوری اسلامی بازهم در ادامه جنایات خود تعدادی از زندانیان را به قتل رساند. مستقل از اینکه این زندانیان چه کسانی هستند، کجا متولد شده اند یا چه عقیده و گرایشی دارند و یا "جرم شان" چیست، باید آن را محکوم کرد. اعدام این زندانیان به هر بهانه ای یکی دیگر از جنایت جمهوری اسلامیست و محکوم است.

جمهوری اسلامی اعلام کرده که اعدام شدگان از جریانات سلفی اند و به جرم ترور، بمب گذاری و ایجاد نا امنی اعدام شده اند و علاوه بر فیلم "اعترافات" آنها صحنه هایی از "ترورها" را در تلویزیون رسمی مملکت پخش کرده است. مستقل از هویت جریانات ارتجاعی چون سلفی ها و اینکه چنین جریاناتی سنخیتی با جامعه ندارند، اعدام های اخیر قدمی در گسترش سرکوب در جامعه است. جمهوری اسلامی مثل همیشه تعرض به جامعه را از ضعیفترین و حاشیه ای ترین جریانات شروع کرد. جمهوری اسلامی به بهانه "ترور" و گسترش تحركات نظامی در کردستان خود را برای سرکوب و تعرضی وسیعتر به جامعه آماده کرده است. نوک پیکان این حمله رو به جامعه ای است که

علیرغم حمله نظامی، علیرغم اشغال نظامی آن، علیرغم اعدام و دستگیری هنوز در مقابل سرکوب و استبداد و بی حقوقی ایستاده است، نوک پیکان این حمله همه زنان و مردان آزادیخواه، همه کارگران و همه کمونیستها و آزادی خواهان جامعه است. پهن کردن دویساره بساط اعدام قرار است هر صدای تعرض و حق طلبی را در گلو خفه کند. ترورها و تحركات نظامی اخیر در کردستان بهانه ای پوچ بیش نیست. این اعدامها ربطی به حفاظت شهروندان ایران در برابر سلفی گری و ... ندارد. همانطور که قتل عامهای دهه شصت ربطی به ترورها و بمب گذاری های مجاهد نداشت.

بدون بختک جمهوری اسلامی جریانات اولترا ارتجاعی چون سلفی ها در ایران نه جایی داشتند و نه رشد میکردند. علاوه بر این ادعای جمهوری اسلامی در مبارزه افراطی گری و سلفی گری پوچ و بی معنی است. جمهوری اسلامی نه فقط سالها است از حضور جریانات سلفی در کردستان مطلع است که تحركات این جریان علیه مردم، علیه جوانان رادیکال و به قتل رساندن آنها را عملا تأیید کرده است. کجا بودند این "حافظان امنیت و آسایش مردم" زمانیکه سلفی ها سر جوان رادیکال و ضد مذهبی را بریدند و با افتخار خود را تحویل مراجع قانونی ایران دادند، زمانی که در روز روشن برای کمک به داعش نیروی انسانی می فرستادند؟ این "حافظان امنیت شهروندان" کجا بودند زمانیکه زنان مورد تعرض اسید پاش ها قرار گرفتند؟ زمانیکه محلات مورد تعرض و هجوم ارتجاع مذهبی قرار گرفتند و با مقاومت مردم در سنجق و سقز و مریوان عقب رانده شدند؟ نه اینکه تعرض به مردم آزادیخواه، به زنان برابری طلب، به جوانان رادیکال امر مشترک

جمهوری اسلامی و همه جریانات ارتجاعی است؟ اعدامهای امروز قرار است همین مردم را بترساند و به خانه بفرستد. تعریف امنیت و آسایش و رفاه از منظر مردم با تعریفی که جمهوری اسلامی دارد صدها فرسنگ اختلاف دارد و اتفاقاً بیم حکومت بورژوازی در ایران هم از این سر است. هدف جمهوری اسلامی ایجاد فضای ارعاب و اختناق است. جمهوری اسلامی برای حفظ ظاهر در برابر دوستان جدیدش، "جامعه بین المللی" به بهانه "دفاع از امنیت" و "مقابله با تروریسم" احتیاج دارد. حکومتی که خود به اتکا به ترور، سرکوب، اعدام و میلیتاریزیسم در جامعه حاکمیت مخنق اش را استوار کرده، حکومتی که خود مبارزه مسلحانه را به بخشی از مبارزه تبدیل کرده است امروز تحركات نظامی را بهانه اعدام و سرکوب در جامعه کرده است.

بیشترین قربانی این اوضاع طبقه کارگر و مردم آزادی خواه و کمونیست های جامعه خواهند بود. هدف جمهوری اسلامی پس گرفتن هر حداقل آزادی و رفاهی است که مردم و طبقه کارگر بدست آورده اند. مردم می دانند که مستمسک امنیت از طرف جمهوری اسلامی چیست و چه اندازه دروغین و نیرنگ است. در لغت نامه جمهوری اسلامی امنیت یعنی سکوت و رضایت و ریاضت و خفه ماندن، امنیت یعنی امنیت نظام و اسلام و سرمایه علیه مردم محروم و طبقه کارگر.

مردم آزادیخواه و برابری طلب و کمونیست ها: نباید به جمهوری اسلامی اجازه داد به بهانه سلفی یا مقابله با تحریکات عربستان یا هر بهانه دیگری جامعه را مخنق و میلیتاریزه کند، بساط اعدام پهن کند و به ابتدایی ترین خواستها و

نیازها و به آزادی مردم حمله کند. نباید اجازه داد جمهوری اسلامی حق ندارد بساط ارعاب و نظامیگری و سرکوب و اعدام را پهن کند.

نیاید بگذاریم جامعه را به میدان تاخت و تازهای قومی و مذهبی و ناسیونالیستی تبدیل کنند. باید جلوی میلیتاریزه کردن فضای جامعه توسط نیروهای بورژوازی و از سر دعواهای محلی و منطقه ای را گرفت.

جمع کردن پلاس سلفی و ارتجاع کار خود ماست نه جمهوری اسلامی که خود سردهسته همه مرتجعین است. لجام گسیختگی هر نیروی سیاه و افراطی و ارتجاعی را باید خود مردم افسار کنند. همان گونه که مبارزه مردم برای آزادی حضور زنان برابر با مردان در جامعه در جریان است. همان طور که در قبال در سنجق بساط مدرسه ارتجاع و خرافه مفتی زاده را جمع کردیم.

اینبار هم باید متحد و قدرتمند در مقابل تعرض به آزادی ایستاد. جمهوری اسلامی با هیچ بیرق و بهانه ای حق ندارد زندگی مردم را به تنگنا و خفقان بکشد.

نشور "رفاه، آزادی و

امنیت مردم

ایران را

بدست گیرید!

www.hekmatist.com
 سردبیر: فواد عبداللہی
 fuaduk@gmail.com
 تماس با حزب
 hekmatistparty@gmail.com

قدرت طبقه کارگر در مخرب و تشکل اوست!